



کتابخانه



سلام



حضرتِ « مهدی » در قرآن:

جلسه سوم – آبان ماه ۱۳۹۸

شاید « **واضحترین** » آیات،

درباره « **حضرت مهدی** »

عجل الله تعالى فرجه الشريف،

آیات مربوط به « **ذو القرنین** » می باشد:

۱۶ آیه ۸۳ تا ۹۸ سوره کهف:



وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ **ذِي الْقُرْنَيْنِ** قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (٨٣)

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَآتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (٨٤)

فَاتَّبَعَ سَبَبًا (٨٥)

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ **مَغْرِبَ الشَّمْسِ**

وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا:

يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا (٨٦)

نکتہ ہجدهم:



چرا « **فعل‌ها** » در این آیات،

همگی « **ماضی** » هستند؟

فَأَتَّبِعَ * بَلَغَ * وَجَدَهَا *

* وَوَجَدَ * قُلْنَا *

زیرا « **زمان** »

أمری « **نسبی** » و « **دنیوی** » است.

لذا قرآن، آیاتِ مربوط به « بهشت و جهنم »

و « امورِ قطعی » آینده را

با فعلِ « **ماضی** » بیان می کند:

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا (٣٢) أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدَى بَعْدَ إِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَا أَنْ نَكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ أَنْدَاداً وَأَسْرُوا الثَّمَانَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ

وَجَعَلْنَا الْأَغْلَالَ فِي أَغْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (سبأ/٣٣)

ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ^{١٣} يَصْلَاهَا مَذْمُوماً مَدْحُوراً (إسراء/١٨) مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْغَافِلَةَ غِظْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِئِنْ تُرِيدَ

وَأُزْلِفَتْ الْجَنَّةُ^{١٤} لِلْمُتَّقِينَ^{١٥} غَيْرَ بَعِيدٍ (ق/٣١)

فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا

آیہ پنجم: « آيَةُ ٨٧ »:



قال:

أَمَّا مَنْ ظَلَمَ، فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ.....

(كهف/ ۸۷)

گفت: هر که ظلم و ستم کند

در «آینده» مجازاتش می‌کنیم....

نکته نوزدهم:



« ظُلْم » یعنی چه؟

« ظُلْم » یعنی:

« پشت کردن »

به « نورِ عقل و شمسِ حق »

و خود را در « ظُلْمَت » قرار دادن.



مثل: آدم و حوا که:

«أمر الهی» را (برای ازدواج) انجام ندادند،

اما «نهی» او را انجام دادند و به خود ظلم کردند.

و بعد از إخراجشان از بهشت نخستین گفتند:

قالا: رَبَّنَا؛ **ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا**

وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (أعراف/۲۳)

عللِ « ظُلم » انسان؟

اول: اینکه (با غفلت از خود) خودش را به « **غیر** » خود مشغول کند: (خ ۱۵۷)

فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ :

در « **ظلمات** » سرگردان بماند: **تَحَيَّرَ فِي الظُّلُمَاتِ**

و به ورطه‌های « **هلاکت** » افتد: **وَارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ**

و شیاطین او را به « **طغیان** » وادارند: **وَمَدَّتْ بِهِ شَيَاطِينُهُ فِي طُغْيَانِهِ**

و کارهای زشتش را در چشمش بیارایند: **وَزَيَّنَتْ لَهُ سَيِّئَ أَعْمَالِهِ**

دوم: اینکه (با غفلت و جهالت و لجابت) از «**حدود**» الهی تجاوز کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِمَنِّهِنَّ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ وَأَتُوا اللَّهَ رِيقًا
لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ

وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ

فَقَدْ ظَلَمَ **نَفْسَهُ** لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا (طلاق/۱)

The background of the image is a lush, green landscape with rolling hills. A single, dark, leafless tree stands prominently on a ridge in the upper left. The hills are covered in vibrant green grass, with some areas showing a slight yellowish tint, possibly from sunlight or dry grass. The overall scene is peaceful and natural.

مقدارِ ابتلاء به « ظلم » در جهان؟

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ

مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ ... (نحل/ ۶۱)

و اگر خداوند مردم را به خاطر ستمشان مؤاخذه می کرد
جُنبندهای بر روی زمین باقی نمی گذاشت

24 لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معین بازپس می اندازد و چون اجلشان فرا رسد ساعتی آن را پس و پیش نمی توانند افکنند

A scenic landscape featuring rolling green hills under a clear sky. A single, dark, leafless tree stands prominently on a ridge in the upper left. A bright yellow banner with a 3D effect is positioned horizontally across the middle of the image. The banner contains text in Chinese characters.

« هشدار » به مؤمنين:

وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ

وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ (هود/۱۱۳)

« ستم کرده‌ها » را « رکن » خود قرار ندهید زیرا آتش می‌گیرید
و²⁶ در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و یاری نمی‌شوید.

نکتہ یستم:



قال: أَمَّا مَنْ ظَلَمَ « فَسَوْفَ » نُعَذِّبُهُ ... (كهف/ ۸۷)

پس جنابِ ذوالقرنین، آنها را

به خاطر « رفتارِ گذشته »، مجازاتشان نمی کند

و حکمِ ایشان، برای « رفتارِ آینده » آنهاست.

نکته یست و یکم:



با اینکه ذوالقرنین قطعاً « یک نفر » است:

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ^{۱۳} فِي الْأَرْضِ^{۱۳} وَآتَيْنَاهُ^۴ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ^{۱۳} سَبَبًا^{۱۳} (۸۴)

پس چرا ایشان از « ما » سخن می گوید:

فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ^۴ * سَنَقُولُ^۴ لَهُ^۴ مِنْ أَمْرِنَا^۴ يُسْرًا

پس معلوم می‌شود که آن حضرت،

قطعا «**تنها**» نیست

و «**یارانی**» خواهد داشت که مانند

یارانِ امام حسین صلوات الله علیه در او «**حل**» شده‌اند.

۵- « بخش دوم آیه ۸۷ »:



قال: أَمَّا مَنْ ظَلَمَ « فَسَوْفَ » نُعَذِّبُهُ

ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُّكَرًا

(كهف/۸۷)

... سپس به نزد خدایش بازگردانده می‌شود

پس او هم آن را « عذابی ناشناخته » خواهد کرد.

نکته یست و دوم:



عذاب‌های قرآن: شدید، أليم، أكبر،

مُهین، عظیم، ... هستند

چرا «عذابِ این ظالمین»

«نُکْر» است؟



« نُكْر » یعنی چه؟

موارد « نُكْر » در قرآن کدامند؟

کهف: ۷۴ قالَ أَ قَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا

گفت آیا فرد بی گناهی را بی آنکه قتلی انجام داده باشد کُشتی؟ واقعا معیار ناپسندی را آورده‌ای.

قمر: ۶ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَى شَيْءٍ نُكْرٍ

پس از آنها روی برتاب، روزی که دعوت کننده (حق) به چیزی دهشتناک دعوت می کند.

طلاق: ۸ قَرِيهٖ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ وَ عَذَابًا نُكْرًا

و آنها را به خاطر وارونه کردن معیارهایشان، با عذابی وحشتناک مجازات کردیم.

A scenic landscape with rolling green hills under a clear sky. A single, dark, leafless tree stands prominently on a ridge in the upper left. A bright yellow banner with a 3D effect is centered across the middle of the image. The banner contains Persian text in a stylized font. The text is primarily black, with the word 'منکرات' (Mankarāt) highlighted in red. The overall tone is bright and natural.

عوامل مروج « منکرات » کدامند؟

قرآن، مروجِ « منکرات و وارونگی » را دو عامل می‌داند:

عامل اول: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَ مَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

وَلَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (نور: ۲۱)

عامل دوم:

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ

يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ

وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (توبة/٦٧)

پس ذوالقرنین در آنجا قومی را یافت که:

به خاطر کارهایِ « نامتعارف » و ترویجِ « منکرات »،

و « **وارونه** » کردنِ « معیارهای طبیعی و عقلانی »

در عرصهٔ خانواده، اجتماع، کشاورزی، اقتصاد، سیاست، فرهنگ...

باعث « **غروبِ شمس** » در « چشمه‌ای سیاه » شدند

و « **نور حق** » را در تاریکی فرو برده‌اند.

آیه نهم: « آیه ۸۸ »:



قال: أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا (٨٧)

وَأَمَّا مَنْ أَمِنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا

فَلَهُ جَزَاءٌ الْحُسْنَىٰ وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا

(كهف/٨٨)

و اما آنکه ایمان آورد و کار صالح کند پاداشی نیکوتر دارد
و به فرمان خود او را به کاری آسان می‌گماریم.

نکته بیست و سوم:



طبق این فرمایش که:

وَأَمَّا مَنْ أَمِنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً

فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ **أَمْرِنَا يُسْراً** (کهف/۸۸)

پس «**پاداشی**» مؤمنین صالح و ابلاغ «**أمریه**» هم

به رفتار آنان در «**آینده**» موکول می‌شود.

سفر دوم:



آیه هفتم: « آیه ۸۹ »:



حُكْمُ فَاتَّبِعْ سَيِّباً

(كهف/۱۹)

* سپس چیز (دیگری) را دنبال کرد *

قبلا عرض شد که

هیچ « دلیل و قرینه‌ای » نیست که به استناد آن

« سبب » را

« سپاه، لشکر، اراکه »

و یا « پیامبر همراه » بدانیم.

سؤال:



«سب» و «سبب» یعنی چه؟

« **سبّ** »: « اهانت » کرد و درباره فردی چیزی گفت که موجب حصر مقام و محدود شدن مرتبه و علو شأن و مانع رهایی و اعتلای او شد.

به هر چیزی مثل روسری و عمامه که بر سر بسته شود و آن را محصور کند هم « **سبّ** » گفته می شود.

اما « **سبب** » عاملِ « تسلّط و إحاطه » بر چیزی است که فرد را به مطلوب می رساند و آنرا محصور و نزدیک می کند

و اسباب هر چیزی به حسب همان چیز است.

واژه « **سبب** » در قرآن،

« پنج بار » استعمال شده که

« چهار بار » در همین آیات سوره کهف،

و « یک بار » در « سورة حج » آمده است:

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنَّ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ

فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ (حج/۱۵)

هر که می‌پندارد که خدا (پیامبر و حق) را در دنیا و آخرت هرگز یاری نمی‌کند (بگو)
تا چیزی را تا آسمان ادامه دهد سپس (آن را) بُرَد آنگاه بنگرد که
آیا نیرنگش چیزی را که مایه خشم او شده از میان خواهد برد؟

و واژه « **سَبَّ** » هم در قرآن،

« دو بار »

در « سورة أنعام » آمده است:

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (أنعام/۱۰۸)

و آنهايي را كه جز خدا مي خوانند دشنام مدهيد زيرا آنها (هم) به خاطر

دشمني (و) ناداني، خدا را دشنام خواهند داد

اينگونه براي هر امتي كردارشان را آراستيم آنگاه بازگشتشان به سوي خداي آنهاست

و آنها را از آنچه انجام مي دادند آگاه خواهد ساخت

﴿ آيَةُ ٩٠ ﴾



خدایا؛

این تلاش اندک ما را در جهت فهم کتابت بپذیر
و «**عقل و قلب** ما را با نورِ **قرآن**» روشن فرما
و ما را در پیشگاهت روسفید کن
و در ظهور آخرین حجتت ما را سهیم قرار ده
و دیدارش و در رکاب بودنش را روزیمان فرما.

إلى صلي الله عليه وسلم

